



تحولات آسیای مرکزی و قفقاز

ولی کوزه‌گر کالجی *

اشاره:

اهمیت درک دقیق و جامع از تحولات مناطق آسیای مرکزی و قفقاز برای سیاست‌گذاران کشورمان از اهمیت دو چندانی برخوردار است. پیوستگی جغرافیایی و پیوندهای عمیق و دیرپای تمدنی، تاریخی، مذهبی و فرهنگی ایران با منطقه آسیای مرکزی و قفقاز موجب شده است منافع و امنیت ملی ایران با روند تحولات منطقه پیوندی ناگسستنی داشته باشد. در این نوشتار تحلیلی، کوشش خواهد شد با مطالعه و واکاوی مهم‌ترین تحولات و روندهای اخیر این مناطق و طرح برخی نکات و ملاحظات مهم راهبردی، درک بهتری از دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران حاصل شود.

مقدمه

در یک تعریف نسبتاً مورد پذیرش، منطقه «آسیای مرکزی»، منطقه‌ای شامل پنج کشور قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان و منطقه «قفقاز جنوبی» نیز شامل سه کشور آذربایجان، ارمنستان و گرجستان است. منطقه «قفقاز شمالی» شامل واحدهای کوچک خودمختاری چون جمهوری داغستان، چچن، اینگوش، کاباردینو-بالکاریا، قراچای-چرکیس و اوستیای شمالی است. مناطق آسیای مرکزی و قفقاز در نیمه نخست سال ۱۳۹۵ تحولات پر فراز و نشیبی را پشت سر نهادند که آثار و پیامدهای آن به صورت مستقیم و غیرمستقیم، سیاست خارجی و منافع ملی ایران را تحت تأثیر قرار داده است که به برخی از مهم‌ترین موارد آن در این نوشتار، اشاره خواهد شد.

شعله‌ور شدن آتش جنگ قره‌باغ

تحولات منطقه قفقاز بیش از هر چیز تحت تأثیر «جنگ چهار روزه» در اول تا چهارم آوریل ۲۰۱۶ میلادی قرار گرفت. رویارویی در منطقه قره‌باغ در واقع نقض توافقی آتش‌بس بیشکک در ۸ می ۱۹۹۴ میلادی بود که البته از حیث ابعاد رویارویی و خسارت‌های مادی و انسانی، قابل قیاس با هیچ یک از موارد نقض آتش‌بس طی دو دهه گذشته نبود. هر چند اطلاع دقیق و مستندی از میزان موفقیت‌ها و یا شکست‌های نظامی طرف‌های ارمنی و آذری در دست نیست، اما طبق بیانیه وزارت دفاع جمهوری آذربایجان، نیروهای ارتش این کشور توانسته‌اند تعدادی از روستاها و ارتفاعات راهبردی را در قره‌باغ به تصرف در آورند که در این صورت، موقعیت نظامی و ژئوپولیتیکی آذربایجان در عرصه میدانی و عملیاتی قره‌باغ بهبود خواهد یافت. در این شرایط، حتی اگر مناقشه اخیر در مرحله کنونی به پایان برسد و پیشروی بیشتری نیز صورت نگیرد، ارتش آذربایجان در موقعیت نظامی بهتری قرار خواهد گرفت و در صورت رویارویی نظامی مجدد، در شرایط به مراتب مساعدتری عملیات نظامی خود را برای تصرف سایر مناطق قره‌باغ صورت خواهد داد. در رابطه با بحران قره‌باغ باید به این نکته توجه نمود که برخلاف دولت ارمنستان



که گروه مینسک (سازمان امنیت و همکاری اروپا) را ساختار مناسبی برای پایان بخشیدن به مناقشه قره‌باغ می‌داند، دولت آذربایجان همواره انتقادهای شدیدی را از عدم بی‌طرفی اعضای این گروه مطرح نموده است. لذا کنش یا واکنش نظامی جمهوری آذربایجان در تحولات اخیر قره‌باغ را می‌توان نتیجه سرخوردگی و ناامیدی جمهوری آذربایجان در حل و فصل مسالمت‌آمیز این مناقشه از طریق مکانیسم گروه مینسک و نیز متضمن ارسال یک پیام جدی به اعضای این گروه دانست تا با تحریک و جدیت بیشتری در راستای حل و فصل این بحران گام بردارند. علاوه بر سطوح داخلی، سناریوهای خارجی نیز در رابطه با علت شعله‌ور شدن آتش جنگ قره‌باغ در این سطح، از سوی کارشناسان مطرح شد. سناریوی تحریک گسل‌ها و شکاف‌های قومی در مناطق پیرامونی روسیه از سوی آمریکا و ترکیه (قبل از کودتای نافرجام) و سناریوی نقش روس‌ها برای تحت فشار قرار دادن ترکیه و آذربایجان در صحنه تحولات سوریه از جمله مهم‌ترین سناریوهای خارجی مطرح شده است.

ادعای دست‌رسی جمهوری ارمنستان به توانایی ساخت و تولید سلاح هسته‌ای

هراند باگراتیان، نخست‌وزیر سابق (۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ میلادی) و نماینده فعلی مجلس ارمنستان در یک کنفرانس خبری که در صحن مجلس ارمنستان در ۲۹ آوریل (۱۰ اردیبهشت) برگزار شد، موضوع توانایی ارمنستان در ساخت و تولید سلاح هسته‌ای را مطرح نمود. باگراتیان بر این نکته تأکید نمود که ارمنستان از دهه ۱۹۷۰ میلادی به این توانایی دست یافته است. هر چند اظهارات باگراتیان از سوی ادوارد شارمازانوف، معاون مجلس ملی این کشور و سخنگوی حزب حاکم جمهوری خواه تکذیب شد، اما حکمت حاجی‌اف، سخنگوی وزارت امور خارجه آذربایجان از ارسال اسناد مرتبط با سلاح‌های کشتار جمعی، قاچاق مواد رادیواکتیو، وضعیت نیروگاه هسته‌ای متسامور و اظهارات هسته‌ای برخی از مقام‌های ارمنی به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خبر داد. وجود پیشینه و ظرفیت علمی و فنی ارمنستان در حوزه فیزیک هسته‌ای و لیزر که از دوران شوروی به ارث رسیده و در ابتدای این نوشتار به آن اشاره شد، در توجه به ادعای توانایی ساخت و تولید سلاح هسته‌ای در ارمنستان در سطوح افکار عمومی، رسانه‌های جمعی و محافل سیاسی و نظامی بسیار تأثیر گذار بود و تا حدودی (نه به صورت کامل) آن را باورپذیر و دست‌کم قابل توجه و اعتنا ساخته

است. تا کنون تصور بر این بود که ارمنستان هیچ سلاح هسته‌ای در اختیار ندارد و این کشور به برنامه‌های جهانی و اجرای مؤثر تمام معاهده‌ها و قوانین (از جمله بازرسی و نظارت) و مبارزه با عدم اشاعه پایبند است؛ لذا اظهار نظر مقام سیاسی و بلندپایه ارمنی چون هراند باگراتیان در مورد توانایی ساخت و تولید سلاح هسته‌ای از یک سو و انکار و تکذیب آن از سوی دیگر، مقام‌های ارشد ارمنی نظیر ادوارد شارمازانوف، معاون مجلس ملی ارمنستان و سخنگوی حزب حاکم جمهوری خواه، می‌تواند زمینه‌ای برای شکل‌گیری رویکرد و سیاست جدیدی تحت عنوان سیاست ابهام هسته‌ای باشد که می‌تواند بازدارندگی جدید و غیرمتعارفی را برای ارمنستان در مقابل جمهوری آذربایجان و حتی ترکیه ایجاد کند. در صورتی که سیاست ابهام هسته‌ای ارمنستان تداوم یابد و تثبیت شود، موقعیت این کشور در شرایط مشابه اسرائیل قرار خواهد گرفت که چندین دهه است سیاست «ابهام هسته‌ای» را دنبال می‌کند، یعنی داشتن نیروی بازدارنده هسته‌ای رانه تأیید و نه رد می‌کند. عدم توازن میان بودجه دفاعی ارمنستان در مقابل آذربایجان (نسبت یک به ۱۰)، رویارویی نظامی اخیر با آذربایجان در مناقشه اخیر قره‌باغ که حداقل منجر به از دست دادن ۸۰۰ هکتار از اراضی تحت کنترل ارمنه شد و تحریک جدید روس‌ها در منطقه به ویژه اجرای طرح‌های بازگرداندن پنج شهر از مجموع هفت شهر اشغالی پیرامون قره‌باغ به طرف آذری، می‌تواند از جمله دلایل طرح ادعای توانایی ساخت و تولید سلاح هسته‌ای از سوی برخی از مقام‌های بلندپایه ارمنی تلقی شود. هم‌زمانی طرح ادعای توانایی ساخت و تولید

آن که نوک پیکان این اعتراض‌ها، شخص سارگسیان را نشانه می‌رفت، وی با تغییر نخست‌وزیر در صدد است بخشی از این موج اعتراض‌ها را با تغییر دولت مدیریت و مهار کند. دلیل مهم دیگر این تغییرات، انتخابات پارلمانی سال آینده ارمنستان است که قرار است در می ۲۰۱۷ میلادی برگزار شود. اهمیت این انتخابات از آن رو است که نخستین انتخابات پارلمانی ارمنستان پس از اصلاح قانون اساسی و تغییر ساختار سیاسی از ریاست جمهوری به پارلمانی است. رهبر پیروز انتخابات پارلمانی در قامت نخست‌وزیر ارمنستان از اول ژانویه ۲۰۱۸ میلادی، قدرت اصلی را در صحنه سیاسی این کشور به دست خواهد گرفت. از این رو، انتخابات پارلمانی سال آینده از اهمیت فراوانی برای شخص سارگسیان و حزب جمهوری خواه برخوردار است. انتخاب هویک آبراهامیان، نخست‌وزیر مستعفی به عنوان مسئول ستاد انتخابات حزب جمهوری خواه نیز مؤید این حساسیت است. آبراهامیان از تجربه و مهارت بسیار بالایی در امور انتخاباتی برخوردار است و پیش از انتخاب شدن به عنوان نخست‌وزیر در سال ۲۰۱۴ میلادی، مسئولیت ستاد انتخابات را بر عهده داشت. اما مهم‌ترین پیام خارجی تغییر نخست‌وزیر ارمنستان، تقویت مناسبات راهبردی ارمنستان و روسیه است. کارن کاراپتیان، از چهره‌های بسیار شناخته شده حامی روسیه در ارمنستان است که سال‌ها مسئولیت شعبه شرکت گازپروم روسیه در ارمنستان را بر عهده داشته است. طی یک سال گذشته، فضای ضد روسی گسترده‌ای در افکار عمومی ارمنستان در رابطه با فروش تسلیحات روسی به آذربایجان و مباحثی که پیرامون طرح صلح جدید قره‌باغ از سوی روس‌ها و آذری‌ها دنبال می‌شود، شکل گرفته است. بنابراین، انتخاب کارن کاراپتیان می‌تواند حاوی پیامی به روس‌ها برای حفظ روابط سنتی ارمنستان و روسیه باشد. در همین راستا، ادوارد نعلبندیان وزیر خارجه ارمنستان نیز به احتمال فراوان تغییر خواهد نمود.

اجلاس سه جانبه باکو: ایران، روسیه و آذربایجان

تحولات پرشتاب و پیچیده منطقه خاورمیانه به ویژه تحولات سوریه، کودتای نافرجام در ترکیه، گسترش بی‌سابقه امواج تروریسم و افراط‌گرایی، وضعیت بغرنج مهاجران و آوارگان، وضعیت بی‌ثبات بازار جهانی نفت که بر اقتصاد هر سه کشور ایران، روسیه و آذربایجان تأثیر منفی برجای گذاشته است و دیدار ولادیمیر پوتین با رجب طیب اردوغان در سن پترزبورگ تنها یک روز پس از اجلاس سه جانبه باکو، موجب شد سفر رئیس‌جمهوری ایران به باکو و دیدار با

سلاح هسته‌ای با طرح شناسایی استقلال قره‌باغ به عنوان یک کشور مستقل در مجلس ارمنستان نیز از نکات شایان توجه است که در هر دوی آن‌ها نوعی ابهام و حالت انتظار مشاهده می‌شود.

تحولات داخلی ارمنستان: از بحران گروگان‌گیری تا تغییر نخست‌وزیر

در نتیجه جنگ چهار روزه قره‌باغ و افزایش چالش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، جامعه ارمنستان شرایط پرتناهی را در نیمه نخست سال ۱۳۹۵ تجربه نمود. در اواخر تیر ۱۳۹۵، بحران گروگان‌گیری در ایروان در اعتراض به زندانی شدن ژنرال سرفیلیان، از شبه‌نظامیان فعال در جنگ قره‌باغ و معترض به سیاست‌های دولت ارمنستان روی داد. فرسایشی شدن مدت زمان گروگان‌گیری که در حدود یک ماه طول کشید، با اعتراض‌های مردمی نیز همراه شد و فشار مضاعفی را به دولت ارمنستان وارد نمود. صرف‌نظر از موضوع قره‌باغ و بحران گروگان‌گیری، جامعه ارمنستان طی سه سال اخیر در اعتراض به وضعیت نامناسب اقتصادی، بیکاری گسترده جوانان، نرخ بالا و تصاعدی مهاجرت از کشور، رانت و فساد اقتصادی و شبکه الیگارش حاکم بر مناسبات سیاسی و اقتصادی، بارها شاهد تظاهرات مردمی بود و ایجاد تغییرات و اصلاحات از جمله مطالبه‌های جدی جامعه به ویژه نسل جوان بود. با وجود

۱. دولت ارمنستان از ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی تاکنون حاضر به شناسایی استقلال منطقه قره‌باغ نشده است. دلیل اتخاذ این سیاست نیز است که ارمنستان نمی‌خواهد به صورت مستقیم مسئولیت سیاسی و حقوقی در رابطه با منطقه قره‌باغ را در سطح بین‌المللی بپذیرد. از این رو، دولت‌های مختلف ارمنستان همواره کوشش نموده‌اند که حمایت سیاسی و نظامی از ارمنه قره‌باغ را در چهارچوب حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و ضد اشغال نشان دهند.



رؤسای جمهور روسیه و آذربایجان از اهمیت خاصی برخوردار شود. محور اصلی اجلاس سه جانبه باکو، رایزنی و مذاکره در مورد کریدور ترانزیتی شمال- جنوب بود. در تحقق اهداف کریدور ترانزیتی شمال- جنوب، تکمیل طرح راه آهن قزوین- رشت- آستارا و اتصال آن به شبکه خطوط ریلی جمهوری آذربایجان از اهمیت بسیار راهبردی برخوردار است؛ چرا که زمینه اتصال شبکه ریلی ایران به راه آهن روسیه را فراهم نموده و در عمل امکانی را برای حمل و نقل کانتینرها از بندر «ناوا شوا»ی هند از طریق ایران، آذربایجان و روسیه به فنلاند فراهم می آورد که به معنی تحقق بخش بزرگی از اهداف کریدور ترانزیتی شمال- جنوب خواهد بود. پیش‌بینی می شود با اتصال خطوط ریلی ایران به آذربایجان ۱۰ میلیون تن کالا از مسیر راه آهن قزوین- رشت- آستارا- آستارا مبادله شود که تحرک قابل توجهی در حوزه تجارت را به دنبال خواهد داشت. علاوه بر این، دیگر کشور منطقه قفقاز یعنی جمهوری ارمنستان نیز طی سال‌های اخیر در رابطه با توسعه خطوط ارتباطی و ترانزیتی در قفقاز گام‌های مهمی برداشته است. مهم‌ترین برنامه ارمنستان، «برنامه سرمایه‌گذاری کریدور جاده‌ای شمال- جنوب» است که بازسازی جاده زمینی ایران- ارمنستان- گرجستان و نیز خط راه آهن ارمنستان- ایران موسوم به خط آهن جنوبی که به خط راه آهن گرجستان وصل می‌شود، در کانون این دو طرح ترانزیتی قرار دارد که در صورت اجرا، تحول بسیار مهمی را در حوزه ترانزیت و خطوط ارتباطی ارمنستان و منطقه قفقاز به وجود خواهد آورد.

اجلاس سازمان همکاری شانگهای در تاشکند ازبکستان

اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای که در ۲۳ و ۲۴ ژوئن ۲۰۱۶ میلادی در تاشکند ازبکستان برگزار شد، به دلیل اتخاذ مواضع متفاوت کشورهای عضو در قبال موضوع تبدیل عضویت ایران، دارای نکات و ملاحظات شایان توجهی بود. در بین کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، فدراسیون روسیه صریح‌ترین موضع را در قبال عضویت ایران اتخاذ نمود که مواردی چون توافق هسته‌ای ایران، لغو تحریم‌های شورای امنیت، کاهش نگرانی امنیتی روس‌ها از تقابل نظامی ایران با غرب، هم‌سویی و همکاری نظامی و امنیتی دو کشور در بحران سوریه را می‌توان به عنوان دلایل موافقت صریح روس‌ها با عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای برشمرد. عدم حمایت چینی‌ها از تبدیل عضویت ایران از نکات شایان توجه اجلاس تاشکند بود. نگرانی چینی‌ها از وضعیت تاجیکستان و تأثیر منفی عضویت ایران در ورود به

سازمان و اتخاذ موضع حمایتی در قبال نهضت اسلامی این کشور به عنوان همسایه بلافصل چین، روابط گسترده چین و آمریکا، عدم اطمینان چینی‌ها از فرایند سیاسی و اقتصادی پس از برجام و نوع روابط تهران با واشنگتن به ویژه تا زمان برگزاری انتخابات آتی ریاست جمهوری در ایران و آمریکا، نارضایتی احتمالی چین از نزدیکی مناسبات ایران و هند به ویژه توافق سه جانبه اخیر میان ایران، هند و افغانستان در زمینه توسعه بندر چابهار، جایگاه نامشخص و مبهم ایران در طرح راه ابریشم چین و در نهایت سیاست سنتی محافظه کارانه و بدون شتاب چینی‌ها در حوزه سیاست خارجی، از جمله دلایل و زمینه‌هایی است که می‌توان برای عدم حمایت قاطع و لازم چین از تبدیل عضویت ایران از ناظر به عضو اصلی در مقطع کنونی متصور بود. در میان اعضای سازمان، تاجیکستان صریح‌ترین موضع مخالف را در قبال عضویت ایران اتخاذ نمود. به نظر می‌رسد تاجیک‌ها نگران هستند در صورت تبدیل عضویت ایران، این کشور مانع از تعریف حزب نهضت اسلامی تاجیکستان در ردیف افراط‌گرایی دینی در سطح منطقه شود که به موازات تجزیه‌طلبی و تروریسم، «سه عنصر اهریمنی» مورد نظر سازمان همکاری شانگهای به شمار می‌رود. تاجیکستان در نشست محدود اعضای اصلی سازمان در تاشکند و پیش از اجلاس عمومی سران (با حضور اعضای اصلی و ناظر) در رابطه با پیشنهاد روسیه مبنی بر طرح موضوع تبدیل عضویت ایران مخالفت نمود. امام‌علی رحمان، رئیس‌جمهور تاجیکستان نیز در سخنرانی خود در اجلاس از عضویت دائم هند و پاکستان استقبال نمود و آن را مایه تقویت سازمان دانست، اما نامی از ایران نبرد.

باشد، اما در عین حال نگرانی مداومی نیز از بابت فرایند جانشینی و انتقال قدرت در جمهوری ازبکستان از سوی صاحب نظران مطرح نمود. در مورد جانشینی کریم‌اف، هر چند چهار گزینه یعنی گلناره کریم‌اف (دختر ارشد کریم‌اف)، شوکت میرضیایف (نخست‌وزیر)، رستم عظیم‌اف (معاون اول نخست‌وزیر و وزیر دارایی) و رستم عنایت‌اف مطرح شدند، اما با توجه به حاشیه‌های اخلاقی، مالی و سیاسی گلناره کریم‌اف و اختلافات طولانی مدت وی با رستم عنایت‌اف، شانسی جانشینی شوکت میرضیایف (نخست‌وزیر) افزایش یافت. انتخاب میرضیایف به عنوان رئیس جمهور موقت (کفیل ریاست جمهوری) تا زمان برگزاری انتخابات در اواخر پاییز ۱۳۹۵، گویای آن است که در عمل باید شوکت میرضیایف را رئیس جمهور آینده ازبکستان دانست. هر چند در مقطع کنونی با قاطعیت نمی‌توان در مورد دورنما و حجم تغییرات و اصلاحات در ازبکستان پس از کریم‌اف صحبت نمود، اما می‌توان این پیش‌بینی را نمود که این کشور، دیگر ازبکستان دوران کریم‌اف نخواهد بود. کوشش احتمالی جانشین اسلام کریم‌اف برای ایفای نقش متفاوت در عرصه سیاست داخلی و خارجی ازبکستان، نکته اصلی و محوری تغییرات و اصلاحات آتی در این کشور است. به دلیل کیش شخصیت و سلطه فراگیری که اسلام کریم‌اف در ۲۵ سال گذشته در عرصه سیاسی ازبکستان ایجاد کرده است، به احتمال بسیار فراوان، جانشین وی به اصلاحاتی (هر چند کنترل شده) در عرصه داخلی و خارجی ازبکستان دست خواهد زد تا هم از زیر سایه سنگین اسلام کریم‌اف خارج شود و هم تصویر جدیدی در افکار عمومی داخل ازبکستان به ویژه نسل جوان از رهبری جدید شکل گیرد و چهره متفاوت و تازه‌ای نیز در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ازبکستان پس از اسلام کریم‌اف ایجاد شود.

ناامنی در قزاقستان: از اعتراض به واگذاری اراضی به خارجی‌ان تا حملات مسلحانه

موضوع فروش و یا اجاره اراضی قزاقستان به کشورهای خارجی، از موضوعات مناقشه برانگیز سال‌های اخیر بوده است. در نتیجه مباحث و اختلافاتی که در سال ۲۰۰۳ میلادی در جامعه و میان پارلمان و دولت قزاقستان در خصوص تصویب قانون زمین بروز کرد، دولت (نخست‌وزیر) وقت قزاقستان مجبور به استعفا شد. در سال ۲۰۰۹ میلادی نیز تصمیم مقامات برای واگذار کردن یک میلیون هکتار زمین به چینی‌ها با هدف کشت و تولید محصولات علوفه با واکنش‌های تند مردم رو به

موضع جمهوری ازبکستان به عنوان کشور میزبان اجلاس سازمان همکاری شانگهای نیز بسیار شایان توجه بود. در این بین، ازبکستان با آگاهی از موضع مخالف دولت تاجیکستان اعلام نمود که در صورت اجماع بقیه کشورها، مخالفتی با عضویت ایران ندارد. از سوی دیگر، اسلام کریم‌اف در سخنرانی خود در اجلاس، بدون نام بردن از تاجیکستان از برخی کشورها که به دلیل اهداف خود، اجماع سازمان همکاری شانگهای را به چالش می‌کشند، انتقاد کرد. بدین ترتیب، ازبکستان با زیرکی و با اتخاذ یک موضع مبهم و دو پهلو، ضمن این که به عنوان کشور میزبان از مخالفت صریح با تبدیل عضویت ایران خودداری نمود، در عین حال، انتقادی جدی نیز به تاجیکستان به عنوان رقیب سنتی وارد نمود و بار سیاسی و روانی مخالفت با عضویت ایران و نیز عدم انسجام درونی سازمان را متوجه تاجیکستان نمود. رشید علیم‌اف، دبیر کل تاجیکی سازمان همکاری شانگهای نیز در مورد تبدیل عضویت ایران در اجلاس تاشکند، رویه دولت تاجیکستان را در پیش گرفت و هیچ گونه اشاره‌ای به ایران نکرد.

مرگ اسلام کریم‌اف و ابهامات در مورد آینده سیاست داخلی و خارجی ازبکستان

پس از صفر مرادنیازاف، رئیس جمهور فقید ترکمنستان، اسلام کریم‌اف، دومین رهبر از نسل رهبران دوران کمونیسم منطقه آسیای مرکزی بود که با مرگ خود، از قدرت سیاسی وداع نمود. هر چند حضور طولانی کریم‌اف در رأس قدرت سیاسی، توانست ثبات سیاسی و امنیتی را در پرجمعیت‌ترین کشور منطقه آسیای مرکزی به دنبال داشته



افزایش تحرک کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در آسیای مرکزی و قفقاز

پس از توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ در ۱۴ جولای ۲۰۱۵ میلادی (۲۳ تیر ۱۳۹۴)، تحرکات دیپلماتیک کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی در مناطق پیرامونی ایران از جمله در سطح مناطق آسیای مرکزی و قفقاز افزایش قابل توجهی داشته است. در بین کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، عربستان سعودی بیشترین تحرک دیپلماتیک در گسترش روابط با کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را داراست. تاجیکستان، آذربایجان و با اندکی فاصله ترکمنستان، سه کشور فعال آسیای مرکزی و قفقاز در توسعه مناسبات با کشورهای عربی خلیج فارس هستند. توسعه مناسبات کشورهای عربی خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی با تاجیکستان به دلیل برخورداری از اشتراکات زبان فارسی و فرهنگی با ایران و نیز جمهوری آذربایجان به دلیل قرابت مذهبی شیعی با ایران، از نکات بسیار شایان توجه است. حجم بالای دیدارهای سیاسی در سطح رئیس‌جمهور و پادشاه حاکی از آن است که عربستان سعودی، از گسترش روابط با این دو کشور، اهدافی فراتر از روابط دوجانبه را دنبال می‌کند. مقایسه سطح بالای دیدارهای دیپلماتیک میان ریاض با باکو و دوشنبه در مقایسه با سطح پایین دیدارها با سایر کشورهای منطقه نظیر قرقیزستان و ازبکستان، به روشنی گویای این واقعیت است که این امر به صورت هدفمند و برنامه‌ریزی شده از سوی عربستان سعودی برای ایجاد واگرایی در مناطق پیرامونی ایران و تضعیف جایگاه و نفوذ ایران در دو عقبه زبانی و فرهنگی (تاجیکستان) و فرهنگی و مذهبی (آذربایجان) است.

رو شد که در نهایت، دولت قزاقستان با نگرانی از پیامدهای احتمالی از تحقق آن منصرف شد. در جدیدترین مورد، در ماه می ۲۰۱۶ میلادی، «ایربالات داسایف» وزیر اقتصاد ملی قزاقستان از فروش ۱/۷ میلیون هکتار زمین کشاورزی از ابتدای ماه جولای از طریق مزایده خبر داد. در واکنش به این تصمیم، جناح حزب کمونیست در پارلمان قزاقستان علیه این اقدام موضع‌گیری کرد و متعاقب آن، اعتراض‌های مردمی گسترده و بی‌سابقه‌ای در مناطق غربی قزاقستان به ویژه بنادر آتیرائو و آکتائو در سواحل دریای خزر روی داد که موجب غافلگیری سیستم امنیتی و انتظامی این کشور شد. در نتیجه اعتراض‌های مردمی، نورسلطان نظربایف، اعلام نمود که دولت قزاقستان از فروش زمین به کشورهای خارجی منصرف شده است و نسبت به احتمال تکرار «سناریوی اوکراین» در این جمهوری هشدار داد. وزیر کشاورزی قزاقستان نیز مجبور به استعفا شد. متعاقب این تحولات، بروز درگیری‌های مسلحانه و چند حمله تروریستی در برخی از مناطق قزاقستان، توجه کارشناسان را به خود جلب نمود. در جدی‌ترین مورد، بر اثر حمله مسلحانه افراد ناشناس به یک واحد نظامی گارد ملی و تعدادی از مغازه‌های اسلحه فروشی در شهر آکتوبه قزاقستان که در ۱۶ خرداد ۱۳۹۵ صورت گرفت، ۱۷ نفر جان خود را از دست دادند. بنا به اطلاع سایت رسمی وزارت کشور قزاقستان، از این ۱۷ نفر کشته شده، ۱۱ تن اعضای این گروه مسلح، ۳ نفر افسر وزارت دفاع قزاقستان، یک نفر فروشنده مغازه سلاح فروشی «پلادا»، یک نفر نگهبان و یک شهروند قزاق بودند. نکته شایان توجه در روند این تحولات، طرح نام تشکیلات جدیدی به نام «ارتش آزادی‌بخش قزاقستان» است. ارتش آزادی‌بخش قزاقستان، تشکیلات افراطی و مسلحانه جدیدی است که با هدف سرنگونی دولت سکولار قزاقستان و اجرای احکام اسلام و شریعت در این کشور شکل گرفته است و هنوز از ترکیب نیروها، منابع مالی و میزان ارتباط آن با تشکیلات مشابهی چون داعش و سایر گروه‌های افراطی، اطلاع دقیقی در دست نیست. روس‌ها تحولات اخیر در منطقه آسیای مرکزی به ویژه قزاقستان را بخشی از طرح (پازل) غربی‌ها برای تحت فشار قرار دادن روسیه در مناطق پیرامونی می‌دانند که از کریمه اوکراین شروع شده، در قره‌باغ قفقاز ادامه پیدا نموده و دامنه آن به آسیای مرکزی رسیده است. از این منظر، روس‌ها معتقد هستند گروه‌های افراطی چون ارتش آزادی‌بخش قزاقستان با حمایت کشورهایی چون آمریکا و عربستان سعودی درصدد ایجاد شرایطی مشابه سوریه در قزاقستان و در مجاورت مرزهای جنوبی روسیه هستند تا از این طریق روس‌ها را مجبور به اعطای امتیازاتی در عرصه تحولات سوریه و اوکراین نمایند.

استفاده نمود. در این راستا، به موازات توسعه مناسبات دوجانبه ایران و آذربایجان و سه‌جانبه ایران، روسیه و آذربایجان، ضروری است توجه جدی‌تری به روابط ایران با ارمنستان و گرجستان نیز صورت گیرد.

۲- جمهوری اسلامی ایران به لحاظ پیوندهای بلافضل تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی با دو کشور ایران و ارمنستان، شیعه‌بودن مردم آذربایجان، حضور میلیون‌ها آذری در ایران، حضور اقلیت ارمنه در کشور و پیوندهای نزدیک آن‌ها با ارمنستان و قره‌باغ و نیز شرایط حساس کنونی منطقه به ویژه سرخوردگی و ناکامی ترکیه در عرصه تحولات سوریه، دارای ملاحظات و منافع جدی در مناقشه اخیر قره‌باغ است. گشوده‌شدن یک جبهه جدید از ناامنی و تهدید در منطقه استراتژیک قفقاز یعنی مناطق پیرامونی ایران، می‌تواند تهدید جدی را متوجه منافع و امنیت ملی ایران کند که این امر هوشیاری لازم را می‌طلبد. در مقطع کنونی، رصد دائمی و مستمر تحرکات روس‌ها در پیشبرد طرح صلح جدید در قره‌باغ که ترکیبی از اصول مادرید گروه مینسک و طرح غازان روسیه در سال ۲۰۱۱ میلادی است، از اولویت‌های مهم سیاست خارجی ایران محسوب می‌شود.

۳- موضوع ادعای دسترسی ارمنستان به توانایی ساخت سلاح هسته‌ای، موضوع بسیار مهمی است. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که جالب‌ترین و در عین حال غیر منتظره‌ترین واکنش از سوی نویسندگان و رسانه‌های اسرائیلی در قبال اظهارات مقام‌های ارمنی در رابطه با تسلیحات هسته‌ای صورت گرفت. دلیل اصلی این توجه نیز ارتباط بسیار نزدیک ارمنستان و ایران و احتمال انتقال فناوری و یا تجهیزات ساخت سلاح هسته‌ای به ایران است. در این رابطه، روزنامه «جروزالم پست» اسرائیل در یادداشتی به بحث سلاح‌های هسته‌ای در کشور ارمنستان این‌گونه پرداخت: «اگر چنین مسئله‌ای حقیقت داشته باشد، جامعه بین‌المللی باید هرچه زودتر وارد عمل شود. در سال‌های گذشته تمام توجه جنبش‌های عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای روی ایران متمرکز شده بود؛ در حالی که دولت اوپامبا بر روی این که ایران به تعهداتش در برجام عمل می‌کند یا نه، متمرکز می‌باشد، ممکن است از پرچم‌های قرمز هسته‌ای که در جاهای دیگری از دنیا برافراشته شده‌اند و نیازمند توجه فوری هستند، غفلت شده باشد».

۴- در روند شکل‌گیری و حفظ رویکرد متوازن سیاست خارجی ایران در منطقه قفقاز باید به این نکته توجه ویژه داشت که روسیه، عامل توازن‌بخش خارجی و گرجستان عامل توازن‌بخش داخلی و

توسعه مناسبات عمدتاً اقتصادی عربستان سعودی با گرجستان و ارتقا سطح روابط دیپلماتیک از سطح سفیر آکر دیته به سفیر دائم نیز از نکات شایان توجه است که از نقطه نظر منافع اقتصادی ایران در این کشور به ویژه در شرایط پس از برجام و برقراری مجدد رژیم لغو ویزا و روایدید میان ایران و گرجستان از بهمن ۱۳۹۴ به این طرف بسیار حائز اهمیت است.

نتیجه‌گیری

۱- رویکرد متوازن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز باید بر مبنای الگوی ۱+۳ یعنی روابط ایران با هر سه کشور منطقه قفقاز، جهت‌گیری و عملیاتی شود. نکته بسیار مهم و شایان توجه حفظ رویکرد متوازن را برای کشورمان در مقطع کنونی بیش از هر زمانی ضرورت می‌بخشد، این است که در میان سه همسایه بلافضل منطقه قفقاز یعنی روسیه، ایران و ترکیه، تنها کشوری که با هر سه کشور منطقه دارای رابطه است، ایران می‌باشد. روابط روسیه با گرجستان پس از بحران اوت ۲۰۰۸ میلادی قطع شده است، روابط ترکیه با ارمنستان نیز از ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی تا کنون متوقف شده و کوشش‌های چند سال اخیر برای عادی‌سازی روابط دو کشور نیز به جایی نرسیده است. لذا با توجه به شرایط موجود، ایران تنها همسایه منطقه قفقاز است که هم‌زمان با ارمنستان، آذربایجان و گرجستان دارای روابط است و همین امر ایجاب می‌کند در شرایط قطع روابط روسیه - گرجستان و ترکیه - ارمنستان، با یک رویکرد متوازن و دیپلماسی متوازن بتوان از شرایط و شکاف‌های موجود در راستای منافع کشور به صورت مؤثرتری

منطقه‌ای در مناسبات ایران با دو کشور آذربایجان و ارمنستان است. هر چند طی ۲۵ سال گذشته از جمله در دولت یازدهم از ظرفیت توازن بخش روسیه نسبتاً استفاده شده است، اما متأسفانه به ظرفیت توازن بخشی گرجستان توجه لازم صورت نگرفته است.

۵- در سطح منطقه آسیای مرکزی، روابط ایران و تاجیکستان پس از مسائل مربوط به دعوت از محی‌الدین کبیری، رهبر نهضت اسلامی تاجیکستان به کنفرانس وحدت اسلامی در تهران در آذر ۱۳۹۴، همچنان سرد است که توجه جدی و طراحی یک برنامه جامع و هدفمند را برای برون‌رفت از این وضعیت می‌طلبد.

۶- طبق ماده ۱۶ منشور سازمان همکاری شانگهای، مکانیسم رأی‌گیری در این سازمان بر اساس توافق (اجماع) و بدون رأی‌گیری تعریف شده است که به موجب آن، تصمیم‌های سازمان در صورت عدم مخالفت هر یک از اعضا در جریان اجماع، تصویب شده تلقی می‌گردد. این موضوع به ویژه در رابطه با کشوری چون تاجیکستان بسیار حائز اهمیت است که در اجلاس اخیر تاشکند به صورت مؤثری بر مخالفت با تبدیل عضویت ایران تأثیر منفی برجای گذاشت. به این امر باید به عنوان یک تجربه مهم نگریست که در روند سیاست‌گذاری آینده در مورد سازمان همکاری شانگهای، تنها بر دو قدرت روسیه و چین تمرکز صورت نگیرد. با توجه به مباحث و ملاحظاتی که در مورد تبدیل عضویت ایران از ناظر به اصلی پس از تکمیل فرایند عضویت هند و پاکستان به ویژه از سوی چینی‌ها مطرح شده است، طرح رسمی این موضوع عملاً به اجلاس آتی سران سازمان همکاری شانگهای در آستانه قزاقستان (جولای ۲۰۱۷ میلادی) موکول خواهد شد که حتی در صورت طرح این موضوع، با توجه به تجربه هند و پاکستان از اجلاس اوفا تا اجلاس آستانه (۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ میلادی)، تحقق عینی تبدیل عضویت ایران از ناظر به اصلی از سال ۲۰۱۹ میلادی به بعد قابل تصور خواهد بود.

۷- نکته بسیار مهمی که در فرایند انتقال قدرت در ازبکستان به مثابه فرصتی ارزشمند برای کشورمان محسوب می‌شود، کوشش احتمالی جانشین اسلام کریم‌اف برای ایفای نقش متفاوت در عرصه سیاست داخلی و خارجی ازبکستان است. تجربه انتقال قدرت در ترکمنستان و کوشش فراوان قربان‌قلی بردی‌محمداف در انجام اصلاحات داخلی و تغییر در رویکرد سیاست خارجی برای خروج از سایه سنگین کیش شخصیت نیازاف (ترکمن‌باشی) و معرفی و تثبیت جایگاه خود به عنوان یک رهبر مستقل و توانمند

به روشنی گویای این امر است. بنابراین، به دلیل کیش شخصیت و سلطه فراگیری که اسلام کریم‌اف در ۲۵ سال گذشته در عرصه سیاسی ازبکستان ایجاد کرده است، به احتمال بسیار فراوان، جانشین وی به اصلاحاتی (هر چند کنترل‌شده) در عرصه داخلی و خارجی ازبکستان دست خواهد زد تا هم از زیر سایه سنگین اسلام کریم‌اف خارج شود و تصویر جدیدی در افکار عمومی داخل ازبکستان به ویژه نسل جوان از رهبری جدید شکل گیرد و چهره متفاوت و تازه‌ای نیز در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی از ازبکستان پس از اسلام کریم‌اف ایجاد شود. بنابراین با آمادگی لازم و برنامه‌ریزی مناسب می‌توان از این شرایط برای نزدیکی هر چه بیشتر ایران به ازبکستان و بهبود روابط دو جانبه استفاده نمود.

۸- با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع حضور و گسترش دامنه نفوذ کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز (به طور مشخص آذربایجان و تاجیکستان) ضرورت دارد دستگاه دیپلماسی کشور و سایر نهادهای مرتبط به صورت جدی‌تری به این موضوع ورود پیدا کرده و با آسیب‌شناسی دقیق روند موجود، راهکارهای مناسب برای مقابله با این تحولات در مناطق شمالی کشور مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان در مقابل عربستان سعودی که در نظر دارد دامنه ائتلاف‌سازی عربی خود را به سطح کشورهای غیر عربی آسیای مرکزی و قفقاز گسترش دهد، ممانعت کرد.

